

باز

فانچہا کاغذ



نام کتاب: قایق‌های کاغذی

سروده: مهدی پیروزی‌نیا

طراح گرافیک: منصور جام‌شیر

شابک: ۹-۸۳-۰۸۳-۰۲۳۰-۹۶۴-۹۷۸

چاپ نخست: ۱۳۹۹ تهران

شمارگان: ۵۰۰ جلد

تهران، میدان هفت تیر، کوی نظامی، شماره ۲۵

واحد یک، کدپستی ۱۵۷۵۶۳۵۹۱۱

تلفن: ۸۸۱۲۸۷۸۸-۸۸۳۱۵۰۵۱-۸۸۳۱۰۰۷۱

دورنگار: ۸۸۳۰۷۲۷۸-۸۸۳۰۷۲۷۸ www.negarneh.com

همه حقوق اثر فقط برای نشر نگارینه محفوظ است

ISBN: 978-964-230-083-9



فانہا کاغذ

سرودہ: مہدی پیروزنیا



سرشناسه: پیروزنیا، مهدی، ۱۳۴۳-
 عنوان و نام پدیدآور: قایق‌های کاغذی / سروده مهدی پیروزنیا.
 مشخصات نشر: تهران: نشر نگارینه، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.
 شابک: ۹-۹۶۴-۲۳۰۰۸۳-۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع: Persian poetry -- ۲۰th century
 رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۳۶
 رده‌بندی دیویی: ۸۱/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۵۴۴۶۷

سخن ناشر

امروزه هایکو را کوتاه‌ترین گونه شعری معرفی می‌کنند. اما از دیرباز شعر فارسی با شعر کوتاه آغاز شده است. قالب‌هایی چون دوبیتی، رباعی و قدیمی‌ترین قالب شعر ایرانی، به نام "خسروانی" همه از ساختاری کوتاه بهره می‌برند. کوتاه‌نویسی نیاز همهٔ زمان‌هاست؛ چون بیش‌تر در ذهن می‌ماند و به سادگی منتقل می‌شود. البته در شعر کوتاه باید مفهوم پیچیده‌ای را در شکلی کوتاه با اندک واژه‌ها ارایه داد که کار بسیار دشواری است.

هر چند به جزء قالب‌های رباعی، دوبیتی و خسروانی، قالب‌های دیگری نیز در نقطه نقطه ایران وجود دارد که ساختار شعری کوتاه دارد. مثل قالب‌های "بایاتی" در بین آذری زبان‌ها، "سه‌خستی" بین کردها و «لیکو» و «موتک» نزد بلوچ‌ها نیز از ساختار شعر کوتاه بهره می‌برند. در شمال «اساشعر» ساختار شعر کوتاه را دارد و شعر «گیلکی» هم به کوتاه بودن ساختاری گرایش دارد. پس می‌توان گفت که شکل و ساختار شعر کوتاه از دیرباز در ایران بوده و امروزه همانند شعر نیمایی و شعر سپید در شکلی نو ارایه می‌شود.

برخی این گونه شعر را شعر کوتاه سپید نامیده‌اند ولی منتقدان و شاعران برای نام‌گذاری آن به اجماع نرسیده‌اند. بعضی نیز این گونه از شعر را هایکو ایرانی

می‌دانند که تاثیر گرفته از برگردان شعرهای جهان به ویژه هایکو است. البته می‌توان گفت ترجمان هایکو در گرایش و اقبال شاعران و مخاطبان فارسی زبان به شعر کوتاه بسیار مؤثر بوده است. پیش‌نهادهایی دیگری نیز در نام‌گذاری شعر کوتاه فارسی چون "ترانک" و "آنک" شده اما هیچ کدام همه‌گیر نشده است. تعریف شعر کوتاه نیز دچار تشدید است، برخی تعداد سطرها را معیار می‌دانند و برخی به مضمون آن اشاره می‌کنند.

در معرفی شعر کوتاه فارسی به هایکو اشاره شد که مختصری راجع به آن باید گفت. هایکو پیش از همه دو چیز در ذهن خواننده را به خود مشغول می‌کند، یکی "اشاره‌های ضمنی" به پدیده‌ها و دومین ویژگی "حذف" در بیان آن چه تصویر شده

است. ویکتور هوگو در جایی گفته است که «...در ذهن دیگران باید شکافت و بُرشی ایجاد کرد و از طریق همین روزن ایده‌های را منتقل کنید...». در حوزه‌هایکو هم همین گفته‌ ویکتور هوگو یکی از شگردها و عناصر اساسی این گونه شعر است. در کتاب "هایکو، گلچینی از شعر کوتاه ژاپنی"، استیفن آدیس، این چنین می‌گوید: «ساختار هایکو به عنوان موجزترین شعر، به واسطه‌ هنر حذف، هنر اشاره‌ ضمنی و هنر دریافت آنی معنا، در پی آن است که بیدارباشی در درون خواننده ایجاد کند تا به این وسیله به معرفتی از زندگی به عنوان چیزی شگفت‌انگیز نایل شود. شعر هایکو در شرق بر فلسفه‌ ذن و آموزه‌های آن متکی است و طبیعت در آن نقش عمده‌ای بازی می‌کند. اما برگردان‌هایی که از آن در جهان صورت گرفته است

شکل آن را تغییر داده است. زیرا در ترجمه هر شعر، انتقال روح آن سخت است. در نتیجه، هایکوهایی که در جهان و ایران سروده شده است با هایکوهای ژاپنی فرق دارند.

هایکوهایی که در ایران سروده می‌شوند، به نوعی ایرانی هستند. به هر حال شعر هایکو، بدون قافیه ولی موزون است.

شعرهای که در این کتاب می‌خوانید، بدون توجه به ساختار شعری آن، چه ریشه در ساختار ایرانی داشته باشد و یا در زمره ساختار هایکو ایرانی شمرده شود از چینش واژه‌ها طوری استفاده کرده که در ذهن مخاطب تصاویری شاعرانه مجسم سازد و احساسات انسانی عشق، غم، تنهایی و... را به خوبی به مخاطب خود

القاء کند. شاعر در سروده‌هایش تمام تلاش خود را معطوف آن داشته با بهره‌گیری از کم‌ترین واژه و انتخاب درست و به جای آن‌ها برای انتقال بهترین حس استفاده کند.

فرشته‌ها ابلهانه می‌خندند
شیطان‌ها موزیانه
آدم‌ها تلخ و گزنده

سیب سُرخِی در آب اُفتاده بود
آدمی در خواب

حوایی آن سوتر
دنبال برگ انجیری می‌گشت

درخت اناری به گُل نشسته بود
عشقی به گِل

بهار بود

بستری آشفته بود
وزنی پریشان
مردی
آخرین نفس هایش را می کشید

گُل گُل برف بر زمین می نشست
دستی یخ زده
[در زمینی سرد]
دنبال نان می گشت
زمستان بود

چشم‌های شان غمگین بود
دل‌های شان شاد
تابوت‌کشان قبرستان

برگِ زردی از شاخه ای بر زمین می‌افتاد
قطره‌های باران در پی اش
پاییز بود و سکوت

پارویی نان در تنور می گذاشت
پارویی دیگر برف می روفت
دیگری پول
مردان در حال کسب روزی

دیوارها بلند بود
و پرچم‌ها در اهتزاز
کسانی، کسانی را بر دار می‌کشیدند
[در گرگ و میش سحر]

کوتاه بود

بارش تگرگ و برگ

زیبا و رازآلود

افسانه‌ی انجماد و خزان

خسته و چون همیشه غم‌آلود